فرشته‌هایی در لباس سفید

این روزها همه با احترام از پرستاران و پزشکان یاد می‌کنند؛ کسانی که در خط اول مبارزه با کرونا ایستاده و جان‌شان را کف دست گرفته‌اند. پرونده امروز را به ۲۰ پرستار و پزشک سینمایی اختصاص داده‌ایم تا مشخص شود کدام وجه آن‌ها دراماتیزه شده است

احمد رنجبر
هفت صبح

در روزهای پر التهاب از هجوم ویروس کرونا، این پرستاران و پزشکان هستند که نام‌شان برای‌مان «قوت قلب» می‌آورد. آن‌ها با روحیه بالا سعی می‌کنند بیماران را درمان کنند و در عین حال برای «ما» انرژی مثبت بفرستند. این روزها که بگذرد ایثار و تلاش پرستاران و پزشکان یکی از بهترین مواد اولیه دراماتیک برای ساخت فیلم و سریال است. همانطور که در دوران دفاع مقدس چند فیلم و سریال با این موضوع ساخته شد و همچنان «روپا» هستند. اصولا هر وقت زندگی این قشر دراماتیزه شده نتیجه خوبی به بار آمده است. چه برسد که این روزها یک سر ماجرا به کرونا می‌رسد. به احترام تلاش همه پرستاران، پرونده امروز را به آن‌ها اختصاص داده‌ایم. در فیلم‌های ایرانی بارها شاهد پرستار بوده‌ایم؛ آنچه در این پرونده موضوعیت دارد آن دسته از پرستارانی است که قصه بر اساس زندگی‌شان پیش می‌رود. در برخی فیلم‌ها حق مطلب به‌خوبی ادا شده است و شاهد گوشه‌ای از ایثار آن‌ها هستیم. در برخی اما وجه سینمایی زندگی پرستاران ربطی به ایثار و تلاش‌شان ندارد... در باکس پایین هم سراغ هشت فیلم رفته‌ایم که سوژه داستان‌شان پزشکان بوده‌اند. درباره کیفیت همه فیلم‌ها و نیز عملکرد بازیگران هم در این پرونده نوشته شده است.

گلچهره سجادیه سرزمین خورشید

چه کسی ساخت؟ احمدرضا درویش/ ۱۳۷۵

نقش دراماتیک پرستار داستان فیلم مربوط به روزهایی است که خرمشهر کم‌کم در تصرف نیروهای دشمن درآمد و مردم چاره‌ای جز ترک شهر نداشتند. هانیه هم به‌همراه دو فرزندش قصد رفتن دارد، اما برحسب وظیفه می‌ماند و به مداوای زخمی‌ها می‌پردازد. او امدادگر است و تا جایی که امکانش هست به دیگران کمک می‌کند. فیلم سرزمین خورشید ادای دینی است، به همه پرستاران و امدادگرانی که جان‌شان را کف دست گرفته بودند و به رزمندگان خدمت می‌کردند.

جایگاه در کارنامه بازیگر گلچهره سجادیه به‌خاطر این نقش برنده سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول از جشنواره پانزدهم و برنده تندیس بهترین بازیگر نقش اول از اولین جشن خانه سینما شد. او همچنان به‌خاطر این نقش مورد تحسین است.

عیار فیلم در دوران دفاع مقدس و نیز سقوط و آزادسازی خرمشهر، زنان همپای مردان حضور داشتند؛ گاهی در لباس رزم و گاه در قامت امدادگر. احمدرضا درویش حواسش بوده که نقش زنان را نادیده نگیرد. آنچه شخصیت هانیه را ماندگار کرده، جمع دو ویژگی در بازی خانم سجادیه است. صلابت و عطوفت او به‌خوبی شمایل زنان محکم و با اراده خوزستان با ترسیم کرده و در عین حال، زیر آتش دشمن به فکر درمان مجروحان و کودکان خود است. سجادیه به‌لحاظ فیزیکی هم کاری سخت داشته و برای نشان‌دادن موقعیت شخصیت، صرفا متکی به چهره نبوده است.

هدیه تهرانی شوکران

چه کسی ساخت؟ بهروز افخمی/ ۱۳۷۸

نقش دراماتیک پرستار فیلم شوکران که از قضا محل مجادله پرستاران و سازندگان فیلم شد، چندان به وجه تلاش و ایثارگری وارد نمی‌شود. بهانه این فیلم تصادف محمود(فریبرز عرب‌نیا) است که در بیمارستان با سیما ریاحی آشنا می‌شود. این دلدادگی سرآغاز اتفاق‌هایی است که ریشه اجتماعی و روانشناسانه دارند.

جایگاه در کارنامه بازیگر هدیه تهرانی در بازیگری به پختگی رسیده بود که با پیشنهاد بهروز افخمی برای ایفای نقش سیما ریاحی در «شوکران» مواجه شد. چهره سرد و بازی خویشتندارانه تهرانی در نقش یک پرستار در ابتدای فیلم چیزی را لو نمی‌دهد اما ابراز علاقه به یک مرد متاهل، باردار شدن، جدایی و چالش با پدر، روی دیگری از نقش و بازی خانم تهرانی را برملا می‌کند.

عیار فیلم داستانی که بهروز افخمی برای پنجمین فیلم خود انتخاب کرد، هنوز در جامعه مصداق دارد و از آن‌سو پرداخت سینمایی‌اش مخاطب را گیر می‌اندازد. «شوکران» دست روی داستانی آشنا گذاشت ولی مسیر قصه متفاوت از نمونه‌های پیشین و پسین است: داستان مردی متاهل که عاشق پرستاری می‌شود و او را به عقد موقت درمی‌آورد. «شوکران» با تیزهوشی سازندگان به جشنواره فجر داده نشد تا گرفتار حساسیت‌های کاذب نشود. فیلم به‌طور مستقیم روی پرده رفت و مورد استقبال فراوان مخاطبان قرار گرفت و منتقدان در وصفش نقدهای مثبتی نوشتند. فیلم اگر در فجر می‌بود، صاحب سیمرغ می‌شد.

لیلا حاتمی شیدا

چه کسی ساخت؟ کمال تبریزی / ۱۳۷۷

نقش دراماتیک پرستار داستان فیلم در دوران دفاع مقدس روایت می‌شود. جایی که فرهاد (پارسا پیروز فر) در جنگ مجروح شده و موقتا بینایی‌اش را از دست داده. او را به بیمارستانی صحرایی منتقل می‌کنند که در آن پرستاری به نام شیدا مشغول به کار است. رفتار فرهاد در تحمل درد توجه شیدا را به خود جلب می‌کند. او به تدریج می‌فهمد که می‌تواند با تلاوت قرآن، التیام بخش فرهاد باشد. مراقبت شیدا از فرهاد به مرور پیوندی عاطفی بین آن‌ها ایجاد می‌کند. فیلم شیدا در عین شرح این دلدادگی روایت گر تلاش و ایثار پرستاران در دوران دفاع مقدس هم هست.

جایگاه در کارنامه بازیگر شیدا جزو یکی از بازی‌های تحسین شده کارنامه لیلا حاتمی است. او تلاش یک پرستار و شرم یک زن را باورپذیر به نمایش گذاشت.

عیار فیلم فیلم «شیدا» جزو معدود فیلم‌هایی است که عشق در خاکریز شکل می‌گیرد. رضا مقصودی فیلمنامه نویس و کمال تبریزی کارگردان، بعد از تجربه موفق «لیلی با من است» بار دیگر خط شکنی کردند و سراغ یک فیلم جنگی – عشقی رفتند. «شیدا» در جشنواره هفدهم فجر قدر ندید اما بعد از نزدیک به دو دهه، پیش مردم به عنوان یکی از آثار ممتاز سینمای دفاع مقدس محبوبیت دارد. «شیدا» نه تنها راوی روح لطیف بچه‌های جنگ است که مصائب جنگ و تلاش مشفقانه پرستاران و پزشکان را به تصویر می‌کشد.

شبنم مقدمی امروز

چه کسی ساخت؟ سیدرضا میر کریمی/ ۱۳۹۲

نقش دراماتیک پرستار فیلم «امروز» روی وجه انسانی حرفه پرستاری دست گذاشته است. سیدرضا میرکریمی داستان یک راننده تاکسی به نام یونس(پرویز پرستویی) را محور درام قرار داد که در یکی از روزها با زنی باردار مواجه می‌شود. او را به بیمارستان می‌برد و اینجاست که نقش دراماتیک پرستاران برجسته می‌شود. شخصیت اصلی برعهده شبنم مقدمی است؛ او را در موقعیتی می‌بینیم که خودش صاحب زندگی شخصی است ولی زندگی حرفه‌ای‌اش را به همان اندازه مهم می‌داند. به همین خاطر است که وقتی با یک زن باردار تنها مواجه می‌شود، برخوردش فراتر از یک پرستار است و به‌واقع در قامت یک فرشته ظاهر می‌شود.

جایگاه در کارنامه بازیگر در فیلم امروز شاهد یکی از بهترین نقش‌آفرینی‌های شبنم مقدمی هستیم. او برای نمایش شخصیت یک پرستار طوری رفتار می‌کند که هم اقتدار و هم مهربانی‌اش توامان به چشم می‌آید. بازی او در این نقش برایش سیمرغ مکمل جشنواره سی‌ودوم فجر را به‌همراه آورد.

عیار فیلم درباره کیفیت فیلم امروز نقدهای متضادی درگرفت. بعضی از مخاطبان و منتقدان تجربه جدید سیدرضا میر کریمی را پسندیدند و برخی نقدهایی اساسی بر آن داشتند. امروز فیلمی است که نگاهی متفاوت به روابط آدم‌ها دارد. سرشار از سکوت است و دیالوگ‌هایش کم. به همین خاطر باب هر سلیقه‌ای نیست.

عاطفه رضوی نجات‌یافتگان

چه کسی ساخت؟ رسول ملاقلی‌پور/ ۱۳۷۴

نقش دراماتیک پرستار مریم قندی امدادگر جنگ است که در حین فعالیت، در یک درمانگاه صحرایی مورد حمله قرار می‌گیرد. او می‌خواهد با استفاده از برانکارد، یک مجروح قطع نخاعی را از مهلکه نجات دهد ولی کارش خیلی‌خیلی سخت است. فیلم نجات‌یافتگان آینه‌ای است که در آن می‌توان بخش‌هایی از ایثار و جانفشانی پرستاران را دید. کسانی که تا پای جان برای حرفه‌شان تلاش می‌کنند.

جایگاه در کارنامه بازیگر عاطفه رضوی به‌خاطر نقش مریم قندی از دومین جشن خانه سینما تندیس بهترین بازیگر نقش اول گرفت. مریم جزو بهترین نقش‌های اوست.

عیار فیلم متفاوت‌ترین تصویر حضور زنان در سینمای دفاع مقدس به نام عاطفه رضوی در فیلم «نجات‌یافتگان» ثبت شده. زنده‌یاد رسول ملاقلی‌پور امدادگر فیلمش را نه در پشت خاکریز که در دل جنگ قرار داد. مریم برای نجات یک رزمنده قطع نخاع، پا در مسیری سخت می‌گذارد. سختی راه، آتش بی‌امان دشمن و تعهد. برای انتقال این مفهوم فقط دیالوگ کافی نیست، بازیگر باید از چهره و حرکات فیزیکال بهره کافی ببرد تا مخاطب با او همراه شود. عاطفه رضوی همه توانش را به خدمت می‌گیرد و چنان به مریم جان می‌دهد که گویی سرنوشت یک امدادگر واقعی را در بحبوحه جنگ شاهدیم. ضمن این‌که چهره او لحظه‌ای از نمایش التهاب درونی امدادگر خالی نمی‌ماند. ترس، نگرانی، امیدواری و نجات.

بهنوش طباطبایی ماجرای نیمروز؛ رد خون

چه کسی ساخت؟ محمدحسین مهدویان/ ۱۳۹۷

نقش دراماتیک پرستار در «ماجرای نیمروز؛ رد خون» به حرفه پرستاری به معنای متداول آن پرداخته نمی‌شود. در این فیلم با پرستاری به نام سیما مواجه هستیم که مثل برخی آدم‌های دیگر تحت القائات گروه منافقین قرار گرفته است. او مدتی بعد ایران را ترک می‌کند و به عراق می‌رود تا به خیال واهی خود برسد!

جایگاه در کارنامه بازیگر بهنوش طباطبایی برای بازی در ماجرای نیمروز؛ رد خون، تحسین شد و نامش در میان نامزدهای سیمرغ جشنواره سی‌وهفتم قرار گرفت. آنچه محل قضاوت اصلی درباره بازی این بازیگر است، به بخش‌هایی برمی‌گردد که تجربه اردوگاه اشرف را از سر گذرانده. پیش‌تر درباره بازی طباطبایی نوشتیم، سیما تجسم عینی یکی از صدها حکایت‌هایی است که درباره زنان اردوگاه اشرف شنیدیم. طباطبایی می‌داند برای جان‌بخشیدن به شخصیت چاره‌ای ندارد جز اینکه تبدیل به یکی از آن زنان شود. پس برای رسیدن به هدف، نه چهره زیبا کارکرد دارد و نه بازی اغراق‌شده. سیما زنی است که درونش را بیش از بیرونش می‌بینیم: سرخورده از همکاری با رجوی؛ دودل میان ماندن و رفتن؛ شرمسار از همسر و برادر... این هنر بهنوش طباطبایی است که سیما را بی کم‌و‌کاست و کاملا «عینی» به ما نشان می‌دهد.

عیار فیلم این‌بار هم مهدویان قصه‌ای جذاب را روایت کرد اما درباره نوع نگاه او به واقعیت‌های تاریخ معاصر اختلاف نظر وجود دارد.

هنگامه قاضیانی روزهای زندگی

چه کسی ساخت؟ پرویز شیخ‌طادی/ ۱۳۹۰

نقش دراماتیک پرستار لیلا دستیار همسرش دکتر امیرعلی علوی در یک بیمارستان صحرایی است. جنگ و اتفاقات غیرمترقبه فراوان پیش می‌آید. همه اینها یک‌طرف و اتفاق آخر جنگ یک‌طرف. با وجود پذیرش قطعنامه، دشمن بدعهدی می‌کند و همین موقعیت لیلا و همسرش را در شرایط پیچیده‌ای قرار می‌دهد. پرویز شیخ‌طادی بعد از پایان جنگ، بخشی از جانفشانی‌های پزشکان و پرستاران را با فیلم روزهای زندگی روی پرده آورد. این کارگردان فرصت کافی داشت تا بدون هیجان سال‌های اول جنگ، شخصیت‌های فیلم را معقول طراحی کند. شیخ‌طادی هنگامه قاضیانی را به‌عنوان شخصیت محوری فیلمش انتخاب کرد و این بازیگر هم بازی قابل قبولی ارائه داد. قاضیانی را به‌خاطر رابطه عاشقانه با همسر، تکاپو برای مداوای مجروحان و فریادهایی که بر سر دشمن می‌زند، به‌خاطر می‌آوریم. «روزهای زندگی» استفاده‌ای دراماتیک از قرارگرفتن پزشکان در موقعیت جنگ و التهابات آن کرده است.

جایگاه در کارنامه بازیگر سیمرغ بلورین بهترین بازیگر از سی‌امین دوره جشنواره فیلم فجر و تندیس نقش اول از شانزدهمین جشن خانه سینما ارمغان نقش لیلا برای هنگامه قاضیانی است.

عیار فیلم روزهای زندگی جوایز اصلی جشنواره سی‌ام را گرفت. خیلی‌ها هم آن را دوست دارند، در حد توان ادای دین به نقش پرستاران و پزشکان در جنگ کرده اما تبدیل به شاهکار نشده است. فیلم از دیالوگ‌های شعاری و بازی بد حمید فرخ‌نژاد لطمه دیده.

سحر دولتشاهی طلا و مس

چه کسی ساخت؟ همایون اسعدیان / ۱۳۸۸

نقش دراماتیک پرستار «طلا و مس» داستان رضا است که همسرش بیمار می‌شود. این طلبه در تهران کسی را ندارد و در بیمارستان با پرستاری به نام سپیده مواجه می‌شود. سپیده نماینده‌ای از تفکری است که نقدی بر رفتار روحانیت دارند. به مرور اما سپیده پی به برداشت نادرست خود می‌برد و حالا که بی‌پرده با یک طلبه مواجه شده، تصویری کامل از این قشر به‌دست می‌آورد. در طول فیلم گوشه‌هایی از نگاه انسانی پرستاران‌ها عیان است و در میانه فیلم به اوج می‌رسد. جایی که سپیده نزد خانم طلبه می‌رود و خود را در قبال خانواده او مسئول می‌داند.

جایگاه در کارنامه بازیگر سحر دولتشاهی درک درستی از موقعیت نقش دارد. به اندازه و به حد کافی درونیات شخصیت را می‌شکافد. خود دولتشاهی در مصاحبه‌ای گفته: به‌نظرم سپیده بیش از اینکه تحت تاثیر سیدرضا قرار بگیرد، تحت تاثیر عشق بین زهراسادات و همسرش(سیدرضا) قرار گرفته است و یک بعد جدیدی از شخصیت سیدرضا را مشاهده می‌کند. به‌نظرم جذاب‌ترین بعد شخصیت سپیده آن قضاوت‌هایی است که ابتدا درمورد سیدرضا می‌کند و در پایان متوجه می‌شود، بیشتر این قضاوت‌ها و پیش‌داوری‌ها اشتباه بوده.

عیار فیلم طلا و مس فیلم تحسین‌شده منتقدان و مخاطبان است و تصویری تازه از قشر روحانیت نشان داده.

ISNA/PHOTO:HABIB

گلشیفته فراهانی میم مثل مادر

چه کسی ساخت؟ زنده‌یاد رسول ملاقلی‌پور/ ۱۳۸۵

نقش دراماتیک پرستار فیلم از جایی شروع می‌شود که می‌دانیم شخصیت اصلی یعنی سپیده دارای فرزندی بیمار است. در ادامه پی می‌بریم سپیده در دوران جنگ پرستار بوده و حالا شیمیایی شده است. سونوگرافی نشان می‌دهد که این فرزند معلول به دنیا می‌آید. همسر زن نمی‌خواهد با این فرزند معلول دچار دردسر و دست و پایش بسته شود و برای همین زنش را مجبور به سقط جنین می‌کند. زن بچه را نگه می‌دارد و نهایتا او را ناقص به دنیا می‌آورد. چالش میان زن و مرد جدی می‌شود، پدر می‌گوید که باید او را به آسایشگاه معلولان بسپارند و مادر نمی‌گذارد و ... میم مثل مادر، بیانگر گوشه‌ای از رنج پرستاران و در مرتبه‌ای بالاتر مادرانی است که در دوران جنگ، زخم خوردند. در عین حال راوی ایثار کسانی است که در دوران جنگ از جان‌شان گذشتند.

جایگاه در کارنامه بازیگر در میم مثل مادر، یکی از بازی‌های خوب و تحسین‌شده گلشیفته فراهانی رقم خورده است.

عیار فیلم میم مثل مادر، فیلمی احساسی است که در زمان اکران توانست توجه خاص و عام را جلب کند. این فیلم به‌دلیل قصه آن همچنان کار می‌کند و مخاطب را درگیر. فیلم ایرادهایی دارد اما به‌دلیل غلبه بعد احساسی توانست مخاطبان زیادی را درگیر کند و مورد توجه قرار بگیرد.

الناز شاکردوست خفه‌گی

چه کسی ساخت؟ فریدون جیرانی

نقش دراماتیک پرستار در خفه‌گی با پرستاری مواجهیم که دل در گرو یک مرد بسته. در این فیلم انتخاب پرستار ربطی به شغل ندارد بلکه هدف فیلم نمایش تعارض‌ها و کاستی‌های روانی است. چون بخشی از داستان در بیمارستان روانی می‌گذرد، پس چه کسی بهتر از پرستار برای نمایش این تعارض‌ها؟

جایگاه در کارنامه بازیگر خفه‌گی جزو فیلم‌های موفق کارنامه الناز شاکردوست است. بازیگر برای نشان دادن سردی رابطه‌اش با دیگران از دو ابزار استفاده می‌کند: دیالوگ‌های کوتاه و زبان بدن. یعنی برای پیشبرد کارش از تک واژه‌ها و اشاره دست و سر کمک می‌گیرد. استمرار این شیوه باعث می‌شود همان اول فیلم متوجه شویم، با یک شخصیت آدم گریز مواجهیم که حتی نمی‌تواند با مسئول اصلی‌اش ارتباطی منطقی برقرار کند. بازیگر برای نمایش عشق، سادگی و پاکی شخصیت بیشترین استفاده را از لحن می‌کند. حتی جایی که گیر می‌افتد و مسعود پی به همکاری او و زنش می‌برد، دروغ نمی‌گوید و اصل واقعیت را به زبان می‌آورد. در این سکانس، صحرا به جای بیان سریع، با لحن آرام، شمرده و غم دار حرف می‌زند و مسعود چاره‌ای جز تسلیم ندارد.

عیار فیلم خفه‌گی جزو تجربیات متفاوت کارنامه فریدون جیرانی است. یک فیلم سیاه و سفید به سبک نوآر که باعث شد طیفی از منتقدان کارگردانش را تحسین کنند.

مهناز افضلی پرستار شب

چه کسی ساخت؟ محمدعلی نجفی/ ۱۳۶۶

نقش دراماتیک پرستار در این فیلم زندگی ماری(مهناز افضلی) محور اصلی داستان است. در ابتدا پرستاران سوژه داستان نیستند اما حضور یک پرستار مسیر داستان را مشخص می‌کند. ماجرا از این قرار است: وظیفه پرستاری از رزمنده‌ای زخمی به یک زن جوان مسیحی به نام ماری سپرده می‌شود. پرستار احساس می‌کند که چهره مجروح برایش آشنا است. در طول مدتی که وظیفه پرستاری از مجروح را برعهده دارد، درصدد است تا به راز این آشنایی پی ببرد. ماری با خواندن نامه برای رزمنده، نزدیکی بیشتری به او احساس می‌کند. جوان رزمنده فوت می‌کند و بعد از فوت او ماری متوجه می‌شود که جوان حامل پیغام یکی از آشنایان او بوده که در جبهه شهید شده است.

جایگاه در کارنامه بازیگر مهناز افضلی بازی معقولی در فیلم پرستار شب دارد و توانسته حالات مختلف یک انسان را در موقعیت‌های متضاد به‌خوبی به‌تصویر بکشد.

عیار فیلم فیلمنامه‌ای که کیهان رهگذر نوشت و محمدعلی نجفی آن را تصویری کرد، سوژه‌ای بدیع است. آن‌هم در میانه دهه شصت که سینما با احتیاط سراغ سوژه‌های خاص می‌رفت. پرستار شب درمجموع فیلم خوبی است اما به‌دلیل برخی ملاحظات و محافظه‌کاری‌ها تبدیل به فیلمی ویژه نشد. اگر چنین سوژه‌ای حالا ساخته شود به‌دلیل فضای بازتر موجود، تبدیل به اثری تاثیرگذار می‌شود.

حامد بهداد زندگی جای دیگری است

چه کسی ساخت؟ منوچهر هادی/ ۱۳۹۲

نقش دراماتیک پرستار این فیلم داستان داود(حامد بهداد) است که ناگهان پی می‌برد مبتلا به تومور مغزی است و چندصباحی بیشتر زنده نخواهد ماند. او البته مشکلات دیگری هم دارد، همسر قبلی‌اش، شهرزاد، برای کمک‌گرفتن از او برای آزادی شوهر جدیدش علی، پیش او می‌آید. از آن‌طرف همسر موقتش مدعی می‌شود که حامله است. درنهایت برای اینکه گره از کار همسر سابقش باز شود و بچه‌هایش بدون سرپرست نمانند، به‌جای شوهر جدید همسر سابقش به زندان می‌رود. این خلاصه مفصل را یادآوری کردیم تا وجه دراماتیک حضور یک بهیار در دل یک بحران روشن شود. بیش از این نیاز به توضیح نیست چراکه منوچهر هادی برای نمایش درماندگی یک انسان دکتری را انتخاب کرده که با وجود داشتن همکاران متخصص باید در برابر بیماری تسلیم شود؛ این یعنی نهایت ضعف بشر.

جایگاه در کارنامه بازیگر حامد بهداد در سه فیلم «فرزند چهارم»، «چه خوبه که برگشتی» و «زندگی جای دیگری است» نقش پرستار و پزشک را بازی کرده. در «بی‌تابی بیتا» هم نقش دستیار پزشک را داشته و از این حیث صاحب رکورد است. هیچ‌کدام در کارنامه‌اش شاخص نیستند.

عیار فیلم زندگی جای دیگری است، می‌توانست تبدیل به فیلم بهتری شود اگر قصه‌اش تا این حد کند و کشدار روایت نمی‌شد. منوچهر هادی بیش از حد مجذوب سوژه بود و فیلمش لطمه اصلی را از همین‌جا خورد.

مکمل گزارش یک

دکتر بازی وسط سینما

درباره ۸ شخصیت شاخص پزشک در فیلم و سریال‌ها. هر کدام صاحب چه ویژگی‌هایی هستند؟

در قسمت بالا درباره ۱۲ نقش مهم پرستار در فیلم‌های سینمایی نوشته‌ایم اما در این بخش ۸ پزشک شاخص را محور گزارش قرار داده‌ایم. در هر مورد به این مسئله پرداخته‌ایم که نسبت هر کدام از این پزشک‌ها با درام چیست و نقش‌ها کجای کارنامه بازیگران قرار دارد. البته تعداد پزشک‌های سینمایی بیشتر از اینهاست. به این جمع باید امین تارخ در «بوعلی‌سینا» و فیلم «مادر» را نیز افزود. علی مصفا در «آسمان محبوب» نقش پزشک را بازی می‌کند و شبنم مقدمی در «بلوک ۹ خروجی ۲» روانپزشک است، کتایون ریاحی در «دعوت» نقش پزشک زنان را بازی کرده و ... «ورود آقایان ممنوع»، «تقاطع»، «محیا»، «همخانه»، «برف روی کاج‌ها»، «بودن یا نبودن» و «آزمایشگاه» از جمله دیگر فیلم‌هایی هستند که پزشک در آن‌ها محور اصلی یا فرعی درام است.

فرامرز قریبیان | مرد بارانی ۱۳۷۸

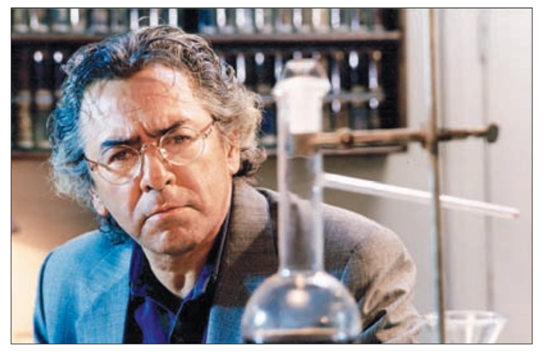
نام کاراکتر دکتر هادی بارانی

تخصص پزشکی سرطان شناس

وجه دراماتیک پزشکی داستان مرد بارانی، درباره پزشکی به نام هادی بارانی است که تلاش می‌کند از داروهای گیاهی دوایی برای سرطان پیدا کند. او در راه رسیدن به هدفش مشکلاتی دارد. اولا دکتر حکاک، رئیس بیمارستان که سال‌ها پیش به دلایل سیاسی باعث اخراج بارانی از دانشگاه شده بود، در حال مانع تراشیدن مقابل کارهای اوست. ثانیا همسر و فرزندانش هم مناسباتی پرچالش را در زندگی خانوادگی‌اش ایجاد کرده‌اند. در این میانه، زن جوانی به نام زیبا رازی که سال‌ها قبل دانشجوی بارانی بوده و حالا متخصص سرطان‌شناسی در انستیتو سرطان‌شناسی دانشگاه میشیگان است، به ایران برمی‌گردد تا در جریان تحقیقات او قرار گیرد. بارانی قبلا دلباخته رازی بوده و حالا دچار بحرانی عاطفی می‌شود. داودی می‌توانست قهرمانش را به صاحب شغلی دیگر تغییر دهد. منتها هادی بارانی مردی است با موقعیت خاص اجتماعی.

جایگاه در کارنامه بازیگر فرامرز قریبیان یکی از بهترین بازی‌های کارنامه خود را به «مرد بارانی» گره زد. او برای این نقش از جشنواره هجدهم فیلم فجر سیمرغ بلورین نقش اصلی را از آن خود کرد.

مسعود رایگان | خیلی دور خیلی نزدیک ۱۳۸۳

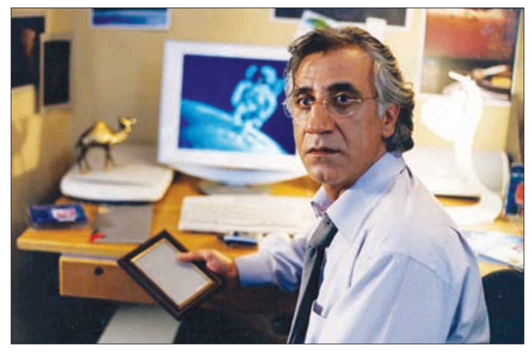
نام کاراکتر دکتر محمود عالم

تخصص پزشکی جراح مغز و اعصاب

وجه دراماتیک پزشکی سیدرضا میر کریمی در «خیلی دور خیلی نزدیک» قصه‌ای ساده را روایت می‌کند. از دل این سادگی اما معانی بزرگی بیرون می‌آید که شاخص‌ترین آن ضعف انسان در برابر قدرت برتر است. کارگردان برای نمایش این مفهوم قهرمان اصلی اش را مردی تحصیلکرده قرار می‌دهد که متخصص جراحی مغز و اعصاب است. دکتر عالم در کارش تبحر دارد و خیلی ها حیات خود را در دستان او می‌بینند! دکتر اعتقاد سستی نسبت به خدا دارد.

جایگاه در کارنامه بازیگر مسعود رایگان برای «خیلی دور خیلی نزدیک» از جشنواره بیست و سوم فجر نامزد سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول شد. کمی بعد و در نهمین جشن خانه سینما تندیس زرین بهترین بازیگر نقش اول را به‌دست آورد. رایگان با این نقش و این فیلم پیش مخاطب عام تبدیل به چهره‌ای شناخته شده شد. او نقش دکتر عالم را طوری بازی کرد که گویی با یک پزشک واقعی طرف هستیم. این نقش همچنان جزو یکی از آثار شاخص کارنامه اوست.

رضا کیانیان | خانه‌ای روی آب ۱۳۸۰

نام کاراکتر دکتر رضا سپیدبخت

تخصص پزشکی متخصص زنان

وجه دراماتیک پزشکی دکتر رضا سپیدبخت برخلاف فامیلی‌اش، زندگی تباه شده‌ای دارد؛ علاقه وافر به سیگار و مشروب و حتی زن‌های خیابانی از او کاراکتری منفی ساخته. خودش معترف است که گرفتار یاس و تباهی است. شاید از بیرون سعادتمند به نظر برسد اما وقتی فیلمساز وارد کنه زندگی‌اش می‌شود پی می‌بریم تمکن مالی و جایگاه رشک برانگیز حرفه‌ای دلیلی بر برخورداری از زندگی پر سعادت نیست. این معنا همه آن چیزی نیست که «خانه‌ای روی آب» به دنبالش بوده. در فیلم فیلمساز در رویکردی نامتعارف قصد دارد رستگاری این شخصیت را امکانپذیر و به نوعی باورپذیر کند. این اتفاق با وارد کردن یک کودک حافظ قرآن به ماجرا رخ می‌دهد.

جایگاه در کارنامه بازیگر رضا کیانیان در دومین همکاری خود با بهمن فرمان آرا، یعنی «خانه‌ای روی آب» یکی از بهترین نقش آفرینی‌هایش را ارائه کرد. کیانیان در بیستمین دوره جشنواره فیلم فجر برای بازی در «خانه‌ای روی آب» نقش برنده سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول مرد شد.

خسرو شکیبایی | سرزمین خورشید ۱۳۷۵

ITEM: 4 CASE 5837 /7500
CONTRACT No I 641124-E2
L/C No 106010/D
WT 43KG VOL 0.03941
LOT 10

نام کاراکتر دکتر کسری

تخصص پزشکی جراح

وجه دراماتیک پزشکی احمدرضا درویش برای نمایش شرایط بغرنج خرمشهر در روزهای اول جنگ، سعی کرد شخصیت‌هایش فیلم «سرزمین خورشید» را از میان طیف‌های مختلف انتخاب کند. منظورش این بود که «همه» با هر موقعیتی در دفاع از خرمشهر برخاستند؛حتی پزشکی که باید بیماران را مداوا کند دست به اسلحه برد. نقش دکتر را خسرو شکیبایی بازی کرد؛دکتری که حتی رمق و جرات حرکت کوچکی برای فرار یا پنهان شدن را هم ندارد اما به تدریج و در طول فیلم به شرایط ناگزیری می‌رسد که حتی برای محافظت از یک اسیر عراقی تفنگ به دست می‌گیرد.

جایگاه در کارنامه بازیگر زنده یاد خسرو شکیبایی در «سرزمین خورشید» یکی از نقش‌های جاودانه‌اش را به ثبت رساند. در این فیلم خبری از طنازی‌های کلامی شکیبایی نیست و یکی از جدی‌ترین بازی‌های او را شاهدیم. حتی در لحظات زیادی عبوس است و اخم‌هایش را در هم کشیده. شکیبایی با ظرافت شرایط جدیدی که در زندگی مردم خرمشهر و قهرمان فیلم یعنی دکتر کسری ایجاد شده را به تصویر کشید.

امین تارخ | اغما ۱۳۸۶

نام کاراکتر دکتر طه پژوهان

تخصص پزشکی فوق تخصص جراحی مغز و اعصاب

وجه دراماتیک پزشکی دکتر پژوهان به دلیل جراحی‌های موفقیت‌آمیز برروی رزمندگان در جبهه‌ها به پنجه طلایی مشهور است. او اکنون به دلیل بیماری حاد همسرش مولود (شیرین بینا) بر سر دو راهی قرار دارد. از طرفی عرف پزشکی مانع جراحی همسرش توسط اوست ولی مولود اصرار دارد که فقط توسط پژوهان جراحی شود. از سویی تنها فرزند آن‌ها پری (نفیسه روشن) مخالف این عمل جراحی توسط پدر است. سیروس مقدم در سریال «اغما» مسئله محک ایمان را طرح می‌کند. دکتر پژوهان با آن درجه از معرفت اسیر فریب شیطان می‌شود و کم نیست که همه آن چه اندوخته را از دست بدهد.

جایگاه در کارنامه بازیگر شخصیت دکتر پژوهان یکی از بهترین نقش‌آفرینی‌های امین تارخ است. این بازیگر به شیوه‌ای استادانه ریزه کاری‌های شخصیت را به تصویر کشید. همه احساس شخصیت را می‌شد در نگاه و صورت امین تارخ دید؛ چه زمانی که گرفتار استیصال است و چه آن زمان که فریب شیطان را خورده. تارخ در همه حالات بازی چشمگیری دارد.

بیتا فرهی | کیمیا ۱۳۷۳

نام کاراکتر دکتر شکوه

تخصص پزشکی جراحی

وجه دراماتیک پزشکی بیتا فرهی در «کیمیا» نقش جراحی را دارد که در بحبوحه جنگ تحمیلی کودکی را که به دنیا آورده در نبود پدر و مادرش بزرگ می‌کند و بعد از دلبستگی به این کودک پدرش از اسارت برمی‌گردد. احمدرضا درویش در بخش ابتدایی فیلم، پلشتی‌های جنگ را نشان می‌دهد، روزهایی که دشمن به وسط شهر رسیده است و همه در حال فرار هستند. یک پزشک اما در این بحبوحه وظیفه خود را فراموش نمی‌کند و کودک را به دنیا می‌آورد. دکتر شکوه بعد از تولد نوزاد، او را رها نمی‌کند و حس مادری‌اش تقویت می‌شود. درویش به سرنوشت بچه‌هایی پرداخت که پدر و مادر واقعی‌شان را از دست داده‌اند و حالا بر سر دو راهی انتخاب هستند.

جایگاه در کارنامه بازیگر بیتا فرهی بازی تحسین شده‌ای در «کیمیا» دارد و برای آن نامزد دریافت سیمرغ هم شد. در بخش اول فیلم به دلیل اکت بالا کارش سخت‌تر است و در بخش دوم باید بار احساسی شخصیت را متبلور سازد.

مهدی هاشمی | روزگار قریب ۱۳۸۶

نام کاراکتر دکتر محمد قریب

تخصص پزشکی بنیانگذار تخصص پزشکی اطفال در ایران

وجه دراماتیک پزشکی کیانوش عیاری سریال «روزگار قریب» را برای معرفی دکتر محمد قریب ساخت. پایه اصلی داستان واقعی است و شاخ و برگ‌هایش تخیل نویسنده. در این سریال زندگی دکتر را از کودکی تا مرگ شاهدیم. در میان پزشکان، به‌ویژه متخصصین اطفال از زندگی دکتر قریب، نقل‌های فراوانی است. حتی مردم عادی جامعه هم نام مرحوم قریب را شنیده بودند، اما باید پذیرفت که پس از ساخت «روزگار قریب»، حتی جو حاکم بر دانشجویان پزشکی تغییر کرد. سرانجام در قالب روایتی تصویری از پزشک شمایلی ارائه شد که هم باعث فخر جامعه پزشکی بوده و هم در قالب کلی‌تر، مایه مباهات ایرانی‌ها.

جایگاه در کارنامه بازیگر مهدی هاشمی نقش میانسالی دکتر قریب را بازی کرد. فقط یکی‌دو قسمت کافی بود تا بیننده‌ها از هاشمی عبور کنند و با دکتر قریب واقعی مواجه شوند! مهدی هاشمی چنان در نقش فرو رفته بود که گویی خود دکتر قریب را در قاب تلویزیون شاهدیم. این سریال جزو بهترین نقش آفرینی‌های هاشمی محسوب می‌شود.

حمید فرخ‌نژاد | روزهای زندگی ۱۳۹۰

نام کاراکتر امیرعلی

تخصص پزشکی جراح

وجه دراماتیک پزشکی درباره فیلم، در باکس مربوط به هنگامه قاضیانی نوشتیم تا وجه دراماتیک پزشکی در این اثر مشخص شود. این فیلم در ادامه آثاری است که می‌خواهند شرایط سخت پزشکان و سرپرستاران را در بحبوحه نبرد به تصویر بکشند. در لحظاتی فیلم موفق عمل می‌کند اما درمجموع «روزهای زندگی» فیلم متوسطی است. فرخ‌نژاد هم از این فیلم متوسط بهره‌ای که باید را نگرفته. او می‌توانست بازی ماندگاری از خود به یادگار بگذارد. این امکانی است که فضای ملتهب فیلم در اختیارش گذاشته بود. داستان مواجهه یک زن و شوهر پزشک با دشمن در دل جنگ ظرفیتی است که بازیگر هوشمند از آن به نفع خود بهره می‌برد.

جایگاه در کارنامه بازیگر بازی فرخ‌نژاد دوپاره است. ابتدا با یک بازی خوب مواجهیم و درادامه از کیفیت بازی‌اش به‌وضوح کاسته می‌شود. بعدا اعلام شد فرخ‌نژاد به‌دلیل مسائل مالی با پروژه به چالش می‌خورد. حتی گفته می‌شود صحنه‌های پایانی بدون حضور او ضبط شده است!